

سرشناسه:	موحدیان عطار، علی، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآور:	روش شناسی دین پژوهی: روش ها، رویکردها، نگرش ها، رشته ها و ساختارها علی موحدیان عطار
مشخصات نشر:	قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۴۳۷ق = ۱۳۹۵
مرجع تولید:	مجتمع آموزش عالی مشهد
مشخصات ظاهری:	۴۱۴ ص
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۴۲۹-۰۲۲-۷
وضعیت فهرست نویسی:	فایا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۴۰۵ - ۴۱۴
یادداشت:	چاپ دوم: ۱۳۹۶ (فیبیا)
یادداشت:	چاپ سوم: ۱۳۹۷ (فیبیا)
یادداشت:	چاپ چهارم: ۱۳۹۸ (فیبیا)
یادداشت:	چاپ پنجم: ۱۴۰۰
موضوع:	دین پژوهی -- روش شناسی
شناسه افزوده:	جامعه المصطفی ﷺ العالمية؛ مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ
شناسه افزوده:	Almustafa International University/Almustafa International Translation and Publication center
رده بندی کنگره:	BL۴۱/م۸/۹۱۳۹۵
رده بندی دیویی:	۲۰۰/۱
شماره کتابشناسی ملی:	۴۲۰۳۵۹۰
	BP۰۶۸۶

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

روش شناسی دین پژوهی (روش ها، رویکردها، نگرش ها، رشته ها و ساختارها)

مؤلف: علی موحدیان عطار

چاپ پنجم: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۲ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۸۶۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸؛

تلفن: ۳۷۸۳۶۱۳۴ ۲۵ ۹۸ + تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۳۷۸۳۹۳۰۵ ۲۵ - ۰۲۵

◀ ایران، قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه. تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ ۲۵ -

✉ miup@pub.miu.ac.ir 🌐 http://buy-pub.miu.ac.ir 📧 pub_almustafa

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

● مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر فنی: سید محمدرضا جعفری

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

با توجه به هزینه ها و مشکلات عدیده، هر شخص حقیقی یا حقوقی که اقدام به چاپ، بازنویسی، کپی، تکثیر و یا هرگونه برداشت جهت تهیه کتاب و تبدیل آن به جزوه، ed، فایل الکترونیکی pdf، اسکن، عکسبرداری و یا انتشار در فضای مجازی نماید، شرعاً مجاز نمی باشد و پیگرد قانونی خواهد داشت.

روش شناسی دین پژوهی

(روش ها، رویکردها، نگرش ها، رشته ها و ساختارها)

علی موحدیان عطار



مرکز بین المللی
ترجمه و نشر
المصطفی

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

«جامعه المصطفی علیه السلام العالمية» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمّدی علیه السلام «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی علیه السلام» را تأسیس کرده است. در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی علیه السلام

پیش‌گفتار

کار اصلی این کتاب، یا آنچه در این نوشتار می‌تواند تحقیق یا نوآوری محسوب گردد، عبارت است از:

۱. ارائه تصویری نسبتاً نودر خصوص نسبت میان رویکرد approach، نگرش attitude، روش method و ساختار structure در دین‌پژوهی، و دسته‌بندی و تفکیک ساده و منسجمی که در خصوص این رویکردها، نگرش‌ها و روش‌های دین‌پژوهی صورت داده است؛ که تا آنجا که می‌دانم دیگران چنین تفکیکی را صورت نداده‌اند. از این رو، اثرپیش‌رو مدعی است که برای مشتاقان به داشتن درک و دریافتی منسجم از روش‌شناسی دین‌پژوهی، کمک خوبی خواهد بود. در واقع، مطالبی که گفته‌ام از اینجا و آنجا وام گرفته‌ام و نیز در شرح و بیان مصادیق هر عنوان از عناوین به‌بارآمده از همین دسته‌بندی بهره برده شده است.

۲. توجه به بخش مهم و مغفولی از تاریخ دین‌پژوهی و مطالعات دین‌پژوهانه. اگر سَری در کتاب‌ها و مقالات مربوط به روش‌شناسی دین‌پژوهی داشته باشید، می‌دانید که در این آثار، که عمدتاً غربی است، تلاش‌ها و فعالیت‌های دین‌پژوهانه در حوزه‌های فرهنگی شرقی، اعم از

اسلامی، هندی و چینی مورد غفلت یا بی‌توجهی قرار می‌گیرد. نیازی به استدلال نیست که این شیوه ناقص و غرب‌محور درباره تاریخ علم و دانش، موجب می‌شود خوانندگان گمان برند همه تلاش‌ها و رخدادهای دین‌پژوهانه از روم و یونان آغاز و به اروپا و آمریکا پایان یافته است. در حالی که در همه دوران‌ها، به‌ویژه در همان اوانی که غرب در خمودی به سر می‌برده، تلاش‌های فراوان و پیشتازانه‌ای در عرصه مطالعات دین و ادیان در هند، چین و جهان اسلام صورت می‌گرفته است. یک جنبه از تلاش نگارنده این سطور این بوده که با ارائه و نمایان کردن این بخش مغفول از تاریخ دین‌پژوهی و فعالیت‌های دین‌پژوهانه، بدون آن‌که بخواهم نقش مهم غرب، به‌ویژه در چهارسده اخیر را در این خصوص انکار کنم، به این حقیقت توجه دهم که همه علم و دانش در غرب خلاصه نمی‌شود. البته این راهم باید اعتراف و اذعان کنم که در بیان نقش جهان غیرغربی در تاریخ دین‌پژوهی، به هیچ وجه تلاشی همسنگ با آنچه آنان در بیان نقش غرب در این باره کرده‌اند، صورت نداده‌ام و هنوز تا کاری درخور صورت گیرد، راه درازی در پیش داریم. اما شاید همین تلاش کمک کند تا پيله ذهنیت غرب‌مدار حاکم بر این حوزه، شکافی بردارد.

۳. ارائه حجم زیادی از اطلاعات و داده‌ها درباره رویکردها، نگرش‌ها و روش‌های دین‌پژوهی، همراه با بیان مصادیق و نام‌های اشخاص و کتاب‌ها و منابع مربوط، که هرکدام می‌تواند سرنخی برای تحقیقات بعدی خوانندگان باشد. و البته این امتیاز نیز شمردنی است که هرچه در اینجا ارائه می‌شود، با وجود آن‌که ممکن است در منابع اصلی خود به مقاصد دیگری طرح شده باشد، بر محور آشکار کردن ماهیت و ویژگی‌های

رویکردها، نگرش‌ها و روش‌های دین‌پژوهی بوده، و از همه به درستی در برآوردن این نتیجه استفاده شده است.

۴. ارائه تحلیل‌هایی هرچند کوتاه از رویکردها، نگرش‌ها و روش‌های دین‌پژوهی در جهت نمایاندن ماهیت و جوهره آنها، و سپس فهرست کردن ویژگی‌های هرکدام در پایان هر مقاله؛ تا به این وسیله شاید خواننده بتواند تصویری ماندگار و روشن از آنها در اختیار داشته باشد، و حتی بتواند درباره درستی و دقت این فهرست‌ها یا آن ماهیت‌شناسی‌ها به بحث بنشیند. در غیراین صورت، بعید به نظر می‌رسید حتی با وجود شرح و بسط وافعی در هر مورد، و ارائه شواهد و مصادیق کافی از رویکردها و نگرش‌ها و روش‌ها، چنین تمایز روشن و آشکار، و در عین حال قابل بحثی، میان آنها صورت پذیرد.

این حقیقت را نیز باید درباره این کتاب بی‌پرده اذعان کنم که این کتاب در بخشی از حجم خود یک اثر تالیفی بیش نیست و حتی پاره‌ای از مطالب آن نقل مستقیم و عینی از نوشته‌های دیگران است، که با ذکر منبع مورد استفاده قرار داده‌ام. البته آنچه این‌گونه از آثار دیگران وام گرفته‌ام، آن مواردی بوده که اگرچه برای دریافت و تصویری عینی از رویکردها و نگرش‌ها و روش‌های دین‌پژوهی، لازم بوده، اما بالاصاله مقصود این نوشتار نبوده، و یا تحقیق در آن موارد از حوصله و مجال و تخصص مؤلف بیرون بوده است. عذر نگارنده در این خصوص نیز چیزی نیست جز گستره وسیع و تنوع فراوان رویکردها و رشته‌ها و نگرش‌هایی که در این کتاب به معرفی نشستیم، و بی‌بهره بودن نویسنده از دانش و بضاعت کافی برای تحقیق و قلم زدن در همه این زمینه‌ها؛ که شاید چندان هم غیرموجه نباشد.

همین جا باید از دانشورانی که در فراهم آمدن داده‌ها برای بخش‌هایی از این نوشتار به من کمک کردند، تشکر و یاد کنم؛ از جمله، آقایان عبدالرضا آتشین‌صدف، کاظم راغبی، مهدی فدایی، جعفر احمدی، مصطفی آزادیان، محمد رسول ایمانی، محمد حسین جعفری و نیز از دوست گرامی، دکتر جعفر مروارید که پی‌گیری‌های ایشان کار این کتاب را به سرانجام رسانید.

علی موحدیان عطار

دی‌ماه ۱۳۹۳

مشهد مقدس

فهرست

مقدمه	۱۷
تبیین موضوع بحث	۲۰
۱. درباره روش، رویکرد و نگرش	۲۰
۲. درباره رسالت و رویکرد این پژوهش	۲۳
۳. درباره دین پژوهی و ادیان پژوهی	۲۴
۴. درباره دین	۲۷
گونه شناسی تعریف های جدید دین	۳۱
۱. تاریخ دین پژوهی	۳۵
عهد باستان	۳۵
۱. یونان	۳۶
الف) شاعران	۳۶
ب) سفرنامه نویسان	۳۷
۲. فلسفه ایونی	۳۸
الف) فیلسوفان وحدت گرا	۳۸
ب) گزارش های سیاحان	۴۱
ج) فیلسوفان شکاک و مادی اندیش	۴۱
۳. رواقیون	۴۳
وحدت گروی و تأویل اندیشی	۴۳

- ۴۳..... ۴. یوهمریسم
- ۴۴..... ۵. رومی‌ها
- ۴۷..... ۶. هند
- ۴۸..... ۷. چین
- ۵۰..... دوران میانه
- ۵۲..... ۱. دین‌پژوهی در تمدن اسلامی دوران میانه
- ۵۹..... ۲. دین‌پژوهی در اروپای دوران میانه
- ۶۲..... ۳. دین‌پژوهی در هند دوران میانه
- ۶۵..... ۴. دین‌پژوهی در چین دوران میانه
- ۶۵..... الف) فعالیت‌های دین‌پژوهانه در سلسله تانگ
- ۶۶..... ب) مطالعات کانونی در فرمانروایی تانگ
- ۶۹..... دوران رنسانس
- ۷۸..... دوران جدید
- ۷۸..... ۱. خردگرایی اواخر قرن هفدهم و همه قرن هجدهم
- ۸۲..... ۲. اوایل قرن نوزدهم
- ۸۳..... دوران معاصر
- ۸۳..... ۱. اواخر قرن نوزدهم و قرن بیستم
- ۸۴..... ۲. اواخر قرن بیستم
- ۸۹..... ۲. رویکردها، نگرش‌ها و رشته‌ها
- ۹۰..... Evolutionism نگرش تکاملی
- ۹۷..... ۱. ویژگی‌های نگرش تکاملی به دین
- ۹۷..... ۲. منابع نگرش تکاملی به دین
- ۹۷..... Diffusionism نگرش انتشاری
- ۱۰۲..... رویکرد تطبیقی و رشته «دین‌شناسی تطبیقی»
- ۱۰۶..... ۱. سرآغاز دین‌شناسی تطبیقی
- ۱۱۰..... ۲. ویژگی‌های رویکرد و رشته دین‌پژوهی تطبیقی
- ۱۱۱..... ۳. منابع درباره دین‌پژوهی تطبیقی
- ۱۱۲..... رویکرد تاریخی و رشته تاریخ ادیان

۱. سرآغاز رویکرد تاریخی به دین ۱۱۳
۲. ویژگی‌های رویکرد تاریخی ۱۱۸
۳. جوهره رویکرد تاریخی ۱۲۰
۴. نمایندگان رویکرد تاریخی ۱۲۱
- نگرش تاریخی انگاری (اصالت تاریخ Historism) ۱۲۳
- رویکرد پدیدارشناختی ۱۲۴
۱. پدیدارشناسی فلسفی قرن بیستمی ۱۳۰
۲. درنگی بیشتر بر پدیدارشناسی هوسرل ۱۳۱
۳. اصول پدیدارشناسی فلسفی ۱۳۵
- الف) ماهیت توصیفی Descriptive ۱۳۵
- ب) مخالفت با فروکاهش مفرط ۱۳۵
- ج) التفات Intention ۱۳۶
- د) درپرائتز نهادن Bracketing ۱۳۷
- ه) شهود ذات ۱۳۸
۴. پدیدارشناسی دین ۱۴۰
- الف) مهم‌ترین پدیدارشناسان دین ۱۴۲
- یکم: کریستینسن ۱۴۳
- دوم: اُتو ۱۴۳
- سوم: هیلر ۱۴۴
- چهارم: وان درلیو ۱۴۵
- پنجم: بلیکر ۱۴۸
- ششم: الیاده و مکتب شیکاگو ۱۴۸
- ب) پدیدارشناسان بعدی ۱۵۳
- یکم: هنری گُربن ۱۵۳
- دوم: آن ماری شیمل ۱۵۴
- سوم: محمدعلی امیرمعزی ۱۵۴
- ج) ویژگی‌های پدیدارشناسی دین ۱۵۶
- د) انتقادهایی به پدیدارشناسی دین ۱۵۸

- ۱۶۰ (ه) برخی منابع و نهادها در پدیدارشناسی دین
- ۱۶۲ رویکرد انسان‌شناختی (مردم‌شناختی)
- ۱۶۵ ۱. انسان‌شناسی دین و انسان‌شناسی دینی
- ۱۶۷ ۲. تکون و تحول رویکرد انسان‌شناسانه به دین
- ۱۶۸ ۳. نظریه‌هایی درباره خاستگاه‌های دین
- ۱۷۴ ۴. روی آوردن به مطالعات کارکردی و ساختاری دین
- ۱۷۵ ۵. مطالعات تخصصی
- ۱۷۶ ۶. ویژگی‌های رویکرد انسان‌شناختی به دین
- ۱۷۸ ۷. منابع و نهادها در انسان‌شناسی دین
- ۱۸۰ ۸. نگرش «اسطوره و مناسک» Myth and Ritual
- ۱۸۱ رویکرد جامعه‌شناختی ورشته جامعه‌شناسی دین
- ۱۸۳ ۱. تفاوت جامعه‌شناسی دین با جامعه‌شناسی دینی
- ۱۸۴ ۲. سیرتاریخی رویکرد جامعه‌شناسانه به دین
- ۱۸۵ مرحله نخست: نظریه‌پردازی درباره دین
- ۱۸۸ مرحله دوم: مطالعات کارکردشناسانه مقایسه‌ای
- ۱۹۰ مرحله سوم: پژوهش‌های جامعه‌شناسانه خاص‌تر
- ۱۹۳ ۳. ویژگی‌های رویکرد جامعه‌شناختی به دین
- ۱۹۴ ۴. منابع و نهادها در جامعه‌شناسی دین
- ۱۹۴ الف) برخی منابع لاتین
- ۱۹۵ ب) برخی منابع فارسی در جامعه‌شناسی دین
- ۱۹۵ ج) نهادها
- ۱۹۶ رویکرد روان‌شناسانه ورشته روان‌شناسی دین
- ۱۹۶ ۱. درباره روان‌شناسی دین
- ۲۰۰ ۲. نخستین رویکردهای روان‌شناسانه به دین
- ۲۰۶ ۳. دیگر پژوهش‌ها
- ۲۰۷ ۴. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های رویکرد روان‌شناختی به دین
- ۲۰۹ نگرش روانکاوانه به دین
- ۲۱۴ نگرش نوکارکردگرایانه به دین

۱. مروری بر نتایج نگرش کارکردی به دین ۲۱۶
- الف) کارکردگرایان اجتماعی ۲۱۶
- ب) دیگر کارکردگرایان اجتماعی دین ۲۲۲
- ج) کارکردگرایان نوین ۲۲۵
۲. نقدهای هنوز پابرجا بر رویکرد کارکردی به دین ۲۲۹
۳. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های نگرش نوکارکردگرایانه به دین ۲۳۱
۴. منابعی درباره نگرش نوکارکردگرایانه به دین ۲۳۱
- رویکرد باستان‌شناختی ۲۳۲
۱. باستان‌شناسی به عنوان یک رشته علمی ۲۳۳
۲. تنوع کار باستان‌شناسی ۲۳۴
- الف) باستان‌شناسی تاریخ‌نگر ۲۳۴
- ب) باستان‌شناسی ماقبل تاریخ ۲۳۵
- ج) باستان‌شناسی تمدن بومیان آمریکا ۲۳۷
- د) باستان‌شناسی نوین ۲۳۹
۳. دین و نظریه تکاملی ۲۴۰
۴. مهم‌ترین کمک‌های باستان‌شناسی به دین‌پژوهی ۲۴۱
۵. دین عصر پارینه‌سنگی ۲۴۴
- الف) خاور نزدیک باستان ۲۴۵
- ب) باستان‌شناسی مربوط به کتاب مقدس ۲۴۷
- ج) چین و هند ۲۴۸
- د) مدیترانه و اروپا ۲۴۹
- ه) آمریکا ۲۵۰
۶. منابع و نهادها در رویکرد باستان‌شناسانه به دین ۲۵۱
۷. ویژگی‌های رویکرد باستان‌شناختی ۲۵۲
- فلسفه دین و نگرش‌های فلسفی به دین ۲۵۲
۱. تأثیر تاریخی جریان‌های فلسفی بر دین‌پژوهی ۲۵۵
- الف) تا پیش از دوران جدید ۲۵۷
- ب) تأثیرات فلسفی جدید ۲۶۹

یکم: شلایرماخر ونظریه تجربه دینی	۲۶۹
دوم: هگل ونظریه دیالکتیکی بودن دین	۲۷۱
سوم: تجربه‌گرایی Empiricism وعمل‌گرایی Pragmatism	۲۷۲
چهارم: نگرش آگزیستانسیالیستی	۲۷۴
پنجم: دیگر تأثیرات فلاسفه نوین بر دین‌پژوهی	۲۷۷
ششم: تأثیرات فعالیت‌های فلسفی غیر غربی نوین بر مطالعات دین	۲۷۸
۲. ویژگی‌های رویکرد فلسفی به دین	۲۷۹
۳. منابع ونهادها	۲۸۰
رویکردهای ادبیاتی	۲۸۱
۱. رویکرد معناشناختی	۲۸۱
۲. رویکرد هرمنوتیک	۲۹۲
رویکرد الاهیاتی ورشته الهیات (کلام)	۳۰۱
۱. مطالعات الاهیاتی مسیحی	۳۰۲
۲. نگرش عصبی-الاهیاتی	۳۱۵
۳. مطالعات الاهیاتی اسلامی	۳۱۶
الف) الهیات اسلامی در عصر پیامبر ﷺ	۳۱۹
ب) الهیات اسلامی در عصر خلفای راشدین	۳۲۱
ج) کلام اسلامی در عصر حکومت بنی امیه	۳۲۶
د) کلام اسلامی در عصر حکومت بنی عباس	۳۳۰
ه) کلام اسلامی در عصر مغول	۳۳۴
و) عصر صفویه تا زمان معاصر	۳۳۶
ز) دوره معاصر	۳۳۸
۴. ویژگی‌های رویکرد الاهیاتی (کلامی) به دین	۳۴۸
نگرش ساختارگرایانه	۳۴۸
رویکرد میان‌رشته‌ای	۳۵۵
۱. نقش نینیان اسمارت در پدیدارشدن رویکرد جدید	۳۵۸
۲. مؤلفه‌های رویکرد میان‌رشته‌ای	۳۶۲
۳. دو مورد از مصادیق رویکرد میان‌رشته‌ای	۳۶۷

۳۶۹.....	۳. روش های دین پژوهی.....
۳۷۷.....	روش توصیفی.....
۳۸۰.....	روش تحلیلی (انتقادی).....
۳۸۴.....	روش مقایسه ای (تطبیقی).....
۳۸۷.....	۱. مراد از مطالعه تطبیقی در دین پژوهی.....
۳۹۱.....	۲. ملاک تطبیق پذیری و دامنه تطبیق در دین پژوهی.....
۳۹۶.....	۳. فرایند عملی تطبیق در دین پژوهی.....
۳۹۷.....	۴. ساختار مطالعه تطبیقی.....
۳۹۸.....	۵. نمونه هایی از مطالعه تطبیقی در دین.....
۴۰۰.....	۶. ویژگی های روش تطبیقی.....
۴۰۳.....	سخن پایانی.....
۴۰۵.....	کتاب نامه.....

مقدمه

مسائل مربوط به روش در مطالعات دین، سبب پیدایش رشته فرعی مستقلی در دین پژوهی شده است، که گاه آن را «روش شناسی دین پژوهی» Methodology of Religious Studies می نامند. این مسائل عمدتاً در این باره است که مواد و مطالب مربوط به دین را چگونه باید نظم داد یا رده بندی و دسته بندی کرد؟ در هر مورد چه روش هایی، اعم از تحلیلی یا توصیفی یا تطبیقی (مقایسه ای) مناسب است؟ این روش ها در دین پژوهی، چقدر به سطح و شاخص های عام روش شناسی تحقیق قابل ارتقا است؟ و مسائل دیگری، مانند این که، پیش فرض های شخصی پژوهشگر دین، تا چه اندازه بر توجه او به مواد و مطالب، و نیز بر تحلیل او اثر می گذارد؟ آیا دین پژوهی یک علم محض و نظری و اصلاً یک «علم» است؟ آیا دین پژوهی در سودای هدفی فراتر از فلسفه (درک عقلانی از) دین است؟ آیا دین پژوهی باید (و یا از دین پژوه انتظار می رود) از تأثیر تعهد شخصی یا ارزش های دینی خودی دور بماند؟ این پرسش ها و بسیاری دیگر نظیر اینها، در سال های اخیر موضوع بحث های داغی بوده است.^۱

۱. سیمور کین واریک شارپ، دین پژوهی، ص ۱۵۰.

اما، گذشته از این پرسش‌ها و دغدغه‌های روش‌شناسانه، دین‌پژوهی به‌مثابه واقعیتی تاریخی نیز قابل مطالعه است. به‌هر حال، دین‌پژوهان در طول تاریخ با گرایش‌ها و نگرش‌های گوناگون و تا حدودی برپایه اهداف متنوعی که داشته‌اند، روش‌ها، رویکردها، نگرش‌ها و ساختارها یا پیکره‌بندی‌هایی را به‌کار گرفته‌اند. همچنین در نتیجه تداوم و تدارس برخی از این رویکردها و نگرش‌ها، رشته‌های دانشگاهی مربوط به آنها نیز پدید آمده است. این واقعیت، سبب شده است تا این روش‌ها، رویکردها، نگرش‌ها و رشته‌ها، درست یا نادرست، تحقق عینی یافته و در نتیجه، بحث درباره تکون، تکامل و تعامل آنها، بخشی از مباحث مربوط به روش‌شناسی دین‌پژوهی را به خود اختصاص دهد.

از طرفی، خود تاریخ مطالعات دین و ادیان نیز صرف‌نظر از رویکردها، نگرش‌ها و روش‌ها، محل پرسش است؛ پرسش‌هایی مانند این‌که دین‌پژوهی از کی و کجا آغاز شد؟ بیشتر در کدام حوزه‌های جغرافیایی و فرهنگی رواج داشت؟ آیا -چنان‌که معمولاً گزارش می‌دهند- این مطالعات عمدتاً در غرب و در دوران جدید صورت گرفته است؟ سیر دین‌پژوهی جدید چگونه طی شده و در آینده چه مسیری را خواهد پیمود؟

به این‌گونه، روش‌شناسی دین‌پژوهی، شامل پنج مبحث فرعی‌تر می‌شود، که همین‌ها نیز (با نظمی متفاوت) فصل‌ها و بخش‌های این نوشتار را می‌سازد:

یکم: مطالعه تاریخ عمومی دین‌پژوهی؛

دوم: بررسی تاریخی رویکردها، نگرش‌ها و رشته‌هایی که در مطالعات

دین پدید آمده است؛

سوم: بررسی پدیدارشناسانه رویکردها، نگرش‌ها و روش‌های مطالعات دین؛
چهارم: شناخت ساختارها، موضوعات و مسائل دین‌پژوهانه؛
پنجم: پرسش‌ها و دغدغه‌های روش‌شناسانه.

مبحث نخست شباهت بسیاری به تاریخ اندیشه داشته و به نوعی همان کارکرد را نیز دارد. مبحث دوم در واقع مطالعه روش‌های دین‌پژوهی با رویکرد تاریخی است. این مبحث از آن رو مهم است که مطالعه زمینه‌های پیدایش و رفتار رویکردها و نگرش‌هایی که اعمال کرده‌اند، نشانه‌هایی از ماهیت آنها را در خود دارد. این مبحث معلوم می‌کند که کاربست این رویکردها و نگرش‌ها چگونه تحقق یافته و چه به بار آورده است.

مبحث سوم، که در واقع مطالعه روش‌های دین‌پژوهی با رویکرد پدیدارشناسانه است، به منظور شناخت ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها، و کارایی‌ها و ضعف‌های هرکدام از رویکردها، نگرش‌ها، و دین‌پژوهی و نیز امکان و روش به‌کارگیری آنها صورت می‌گیرد. این مبحث، که بیش از دو مبحث پیشین مسمای نام «روش‌شناسی» است، تا حدودی در حوزه «روش تحقیق» قرار می‌گیرد، جز آن‌که در اینجا موضوع تحقیق، یعنی دین، معلوم است و برای خود اقتضائاتی دارد.

مبحث چهارم، به منظور شناخت ساختارها یا پیکربندی‌هایی که در مطالعات دین صورت می‌گیرد مطرح شده است، تا شاید ما را در رسیدن به ساختاری بهینه برای مطالعه یا معرفی ادیان کمک کند.

مبحث پنجم، اگرچه معمولاً راه به‌جایی نمی‌برد و مشکلی را حل نمی‌کند، اما ما را با مسائل و دغدغه‌های روش‌شناختی در حوزه دین‌پژوهی آشنا می‌سازد.

تیین موضوع بحث

ابتدا لازم است برخی مفاهیم و موضوعات را روشن کنیم:

۱. درباره روش، رویکرد و نگرش

در زبان انگلیسی برای سه مفهوم، سه اصطلاح جداگانه وضع کرده‌اند:
 - اصطلاح method را برای روش جمع‌آوری داده‌ها و دسته‌بندی و استفاده از آنها در مطالعه یک موضوع،
 - اصطلاح approach را برای روش تقرب به یک موضوع،
 - اصطلاح attitude را برای نوع نگرش یا ذهنیت حاکم درباره یک موضوع.
 اما در زبان فارسی، وضع فرق می‌کند؛ در مباحث مربوط به روش‌شناسی مطالعات ادیان، چندین اصطلاح هست که اگرچه هرکدام می‌تواند بر چیزی دلالت کند، اما چه‌بسا برخی از پژوهشگران و دانشوران، آنها را با هم خلط کرده و به جای هم به کار می‌برند؛ اصطلاحاتی مانند: «روش»، «رویکرد»، «رهیافت» و «نگرش» و... این وضعیت سبب شده است تا در کاربردهای فارسی، «روش» تعبیر مبهمی باشد. به همین سبب هرگاه در حوزه مطالعات ادیان به اصطلاح «روش» برمی‌خوریم باید در نظر داشته باشیم که ممکن است دست‌کم از آن پنج معنا اراده کنند:
 - گاهی می‌گویند «روش مطالعه» و منظورشان روش جمع‌آوری داده‌هاست. در این فرض، روش‌ها را مثلاً به میدانی و کتابخانه‌ای؛ تنبّعی و تحلیلی؛ استقرائی و استدلالی و مانند اینها تقسیم می‌کنند. اما، شاید مناسب‌ترین باشد که این مفهوم را با عنوان «منابع» اطلاع از موضوع sources، تعبیر کنیم. در مطالعات دین و ادیان، بسته به هدف و مقصود مطالعه، از منابع اطلاع‌گوناگونی، اعم از داده‌های میدانی و آماری و

مدارک باستان‌شناسی، منابع مکتوب اولیه و تحقیقات ثانوی، و تحلیل‌های تاریخی، زبانی، و غیراینها، بهره گرفته‌اند و می‌گیرند.

- گاهی مرادشان از روش، نحوه پردازش و کاربست داده‌هاست. در این صورت، روش‌ها را مثلاً به مقایسه‌ای (تطبیقی) و غیرمقایسه‌ای، توصیفی، و انتقادی تقسیم می‌کنند. البته این اقسام با هم تداخل دارند؛ زیرا هر یک از روش‌های توصیفی و انتقادی ممکن است مقایسه‌ای (تطبیقی) و یا غیرمقایسه‌ای هم باشند. اگر بخواهیم کاربست دقیقی برای واژه «روش» تعیین کرده باشیم، شاید عنوان «روش» method برای همین معنا مناسب‌ترین باشد.

- گاهی نیز از روش، ساختار و پیکره‌بندی و ربط و نسبت میان اجزا و ابعاد مطالعه را مراد می‌کنند. این مفهوم از روش عمدتاً ناظر به کمیت (گستره، ترتیب، سازمان) است. گویا برای این مفهوم مناسب‌ترین عنوان همین عنوان «ساختار» structure است. در دهه‌های اخیر در خصوص ساختار مطالعه، به فراگیرندگی و همه‌جانبه‌نگری روی آورده‌اند؛ به این معنا که مطالعه همه مؤلفه‌ها و ملاحظه همه جوانب و ابعاد دین را برای شناخت هرچه کامل‌تر آن لازم می‌بینند. به همین سبب، رویکردهای میان‌رشته‌ای طرفداران بیشتری یافته است.

- از سویی، چه بسا روش را به کار می‌برند و مرادشان چگونگی تقرّب به موضوع مطالعه یا سمت و سوی تحقیق است. در این فرض، روش را به مفهوم «رویکرد» یا «رهیافت»^۱ به کار برده‌اند. البته، رویکرد یا رهیافت،

۱. شاید کسانی مایل باشند میان معنای «رویکرد» و «رهیافت» در زبان فارسی تمایز قایل شده و رویکرد را به معنای «نحوه تقرّب» دانسته، و رهیافت را حامل معنای نگرش یا «طرز تلقی» انگارند. اگرچه در زبان انگلیسی برای این دو معنا دو لفظ

مفهومی مرکب دارد و هم‌زمان هم هدف و هم سمت و سوی و مسیر رسیدن به هدف را دربرمی‌گیرد. رویکردها به اقسام گوناگونی مانند فلسفی، کلامی، عرفانی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، پدیدارشناختی، تاریخی، مردم‌شناختی (انسان‌شناختی)، متن‌شناختی (هرمنوتیکی)، ریشه‌شناختی، فقه‌اللغوی، و... تقسیم می‌پذیرد. به نظر می‌رسد برای این معنا، عنوان «رویکرد» approach تا حدود زیادی مناسب خواهد بود.

اما، در پاره‌ای موارد هرچند به تسامح روش را به مفهوم اعمال طرز تلقی، ذهنیت یا دیدی خاص نسبت به موضوع مطالعه به‌کار می‌برند. برای مثال، مطالعاتی که با ذهنیت مادی‌انگاران (ماتریالیستی)، روان‌کاوانه، تاریخی‌نگری، تکاملی، انتشاری، و... به دین نظر کرده‌اند، در شمار مصادیق عینی نگرش‌ها درباره دینند. به جز اعمال خودآگاه نگرش‌های مختلف، ذهنیت فرد مطالعه‌گرنیز (که گویا هرگز نتوان از آن به‌کلی رها شد) نیز احیاناً در مطالعات دین نقش دارد. به این گونه، شاید مناسب‌ترین عنوان برای این معنا، در فرض عالمانه و عامدانه بودن، همانا «نگرش» attitude، و در صورت ناخودآگاه بودن، «ذهنیت» باشد.

آشکار است که اطلاق «روش» یا هر تعبیر دیگری بر همه این موارد چه بسا موجب ابهام و ابهام در سخن شده و می‌شود. بنابراین، بهتر است، تا حد امکان، تعابیر خاص‌تر را برای هر یک از مفاهیم بالا به کار بریم.

متفاوت وجود دارد (به ترتیب: approach، به معنای «روند نزدیک شدن به چیزی» و attitude، به معنای «نوع نگرش یا رفتار یا برخورد با چیزی») که تا حد زیادی این تمایز معنایی را در خود دارد؛ اما اولاً مشکل می‌توان میان معنای لفظی دو کلمه فارسی «رویکرد» و «رهیافت» تفاوت قابل توجهی حس کرد؛ و ثانیاً، به نظر نمی‌رسد واژه «رهیافت» در فارسی بتواند در جای attitude همان تمایز معنایی را ایجاد کند یا بتوان مناسب‌ت قابل درکی میان این واژه با مفهوم «طرز تلقی» یافت.

۲. درباره رسالت و رویکرد این پژوهش

ممکن است تصور بر این باشد در نوشتاری مانند این، که با عنوان «روش‌شناسی دین‌پژوهی» شناخته می‌شود، به همان کاری پردازیم که در کتاب‌های روش تحقیق می‌پردازند، با این تفاوت که اینجا به ویژگی‌های مطالعه و پژوهش در خصوص «دین» بیشتر توجه نشان دهیم؛ به دیگر سخن، همان بحث روش تحقیق را به صورت «کاربردی» فقط درباره پژوهش با موضوع دین ارائه کنیم. اما این نیز اهداف چنین نوشتاری را برآورده نمی‌سازد؛ به‌باور نگارنده این سطور، آنچه ما در روش‌شناسی دین‌پژوهی بیش از هر چیز بدان نیازمندیم، آشنایی با واقعیت تاریخی رویکردها، نگرش‌ها، روش‌ها و رشته‌هایی است که در دین‌پژوهی پدیدار گشته و بسیار از آنها نیز هنوز در جریان است. البته این مطالعه، اگر به شیوه‌ای عالمانه و روشمند صورت پذیرد، امید است این بینش را نیز در خواننده به وجود آورد که ذات یا مؤلفه‌های جوهرین این رویکردها، نگرش‌ها، روش‌ها و رشته‌ها چیست؟ نقاط قوت و ضعف این پدیدارهای روش‌شناختی کدام است؟ و کجا و چگونه می‌توان -یا باید- از هریک از این رویکردها، نگرش‌ها و روش‌ها بهره برد؟

به این‌گونه، می‌توان گفت رویکرد این نوشتار در تبیین روش‌شناسی دین‌پژوهی، به معنای دقیق کلمه «تاریخی» است؛ اما چنان‌که در همین جا درباره رویکرد تاریخی خواهیم خواند، این رویکرد صرفاً به تبیین تاریخ پدیدارهای یادشده بسنده نمی‌کند، بلکه از این رهگذر در پی تبیین ماهیت، قواعد و قوانین حاکم بر ماهیت این پدیدارها نیز است.

از این‌رو ما در این نوشتار سعی نکرده‌ایم از خود «پژوهش» سخن

بگوییم و وارد موضوعاتی همچون این‌که پژوهش چیست و ارکان آن کدام است؟ تمایز میان پژوهش و اموری چون تفکر، مطالعه پراکنده، برنامه‌های آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی در چیست؟ نشده‌ایم؛ زیرا با توجه رویکردی که یاد شد، این نوشتار در این خصوص رسالتی ندارد، و این کار را به منابعی وانهاده است که رسالت اصلی‌شان تبیین روش‌شناسی پژوهش بوده است.^۱

۳. درباره دین‌پژوهی و ادیان پژوهی

«دین‌پژوهی» اصطلاحی است که می‌تواند به‌طور عام برای هر نوع مطالعه‌ای به‌کار رود که درباره دین یا ادیان انجام می‌شود، اعم از این‌که درون‌دینی باشد یا بیرون‌دینی. اما در اصطلاح خاص تر و در عرف دانشگاهی، این واژه را برای مطالعات بی‌طرفانه و از بیرون سنت‌های دینی خاص به‌کار می‌برند که درباره دین و یا ادیان انجام می‌شود. به این‌گونه، مطالعات درون‌دینی از شمول این کاربرد بیرون خواهد بود.^۲ در این کاربرد، مطالعات درون‌دینی را معمولاً با عنوان مطالعات کلامی یا الاهیاتی Theologic می‌شناسند. با وجود این، در این نوشتار ما برای آن‌که همه مطالعات درباره دین را در کنار هم بررسی کرده باشیم، مطالعات کلامی و الاهیاتی را نیز در دایره دین‌پژوهی آورده‌ایم.

از سویی، «دین‌پژوهی» را هم‌زمان بر سه دسته از رشته‌ها، که از قضا رویکرد هر سه به دین بیرون‌دینی است، یعنی هم بر مطالعات فلسفی دین، یعنی رشته‌ای که دقیقاً به نام «فلسفه دین» Philosophy of Religion

۱. در این باره، رک: احد فرامرزی قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۷.

۲. جان آر هینلز، فرهنگ ادیان جهان، ص ۳۰۵.

شناخته می‌شود، و هم بر مطالعات دین با رویکردهای دیگر، مانند رویکردهای انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی، و هم بر مطالعه همه‌جانبه ادیان، به‌کار می‌برند. در حالی که، میان «فلسفه دین» و مطالعات دین با رویکردهای دیگر از یک سو، و میان این دو با «مطالعات ادیان»، از سوی دیگر تفاوت ظریفی هست که عدم توجه به آن می‌تواند موجب سوء فهم‌هایی شود؛

«فلسفه دین» تعبیری است که به درستی برای مطالعه دین به مفهوم مطلق (دین بما هو دین) وضع شده و به‌کار می‌رود. این مطالعه، ماهیتی عمدتاً فلسفی دارد و به موضوعاتی مانند تعریف دین، منشأ دین، ماهیت یا ذات دین، کارکردها یا قلمرو دین و انتظار از دین می‌پردازد.

اما «مطالعات دین» از نظر رشته‌هایی مانند انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، چنان‌که پیداست، به ابعاد و جنبه‌های خاصی از دین و ادیان می‌پردازد. این فعالیت می‌تواند به تناسب رویکردی که در انجام آن اتخاذ می‌شود، به حوزه‌های مختلف علوم و دانش‌ها، مانند تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، تفسیر متن (هرمنوتیک)، و... تعلق داشته باشد. از این رو که در دانشگاه‌های مختلف جهان، رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی دین و روان‌شناسی دین را معمولاً در دانشکده‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی جای می‌دهند.

«مطالعات ادیان» نیز در بردارنده آن نوع فعالیت‌هایی می‌شود که برآیند و حاصل آن، شناخت و توصیف همه‌جانبه و هرچه کامل‌تر هر یک از ادیان (مصادیق دین) باشد. این مطالعه اگرچه از داده‌های علوم و رشته‌های پیش‌گفته بهره می‌برد، اما به هیچ‌یک از این رشته‌ها تعلق ندارد. بدین‌روی، ادیان‌شناسی ماهیتاً دانشی بین‌رشته‌ای است.

با وجود این‌که هریک از این سه گونه مطالعه دارای ماهیت و ویژگی‌های خاص خود است، و به تبع به حوزه‌های متفاوتی از دانش‌ها تعلق دارد، اما چنان‌که یاد شد، گاهی عدم توجه به تفاوت این فعالیت‌ها، سبب شده است که تعبیر واحدی مانند «دین‌پژوهی» را به یک مفهوم به جای همه به کار برند.^۱ اما، در آلمان، کشوری که به یمن تلاش گسترده مکس مولر (Max Muller ۱۸۲۳-۱۹۰۰ م)، پیشتاز مطالعات ادیان در دوران معاصر گردیده است، فلسفه دین را آگاهانه از دین‌پژوهی بیرون می‌دانند و آن را از شاخه‌های فلسفه می‌شمارند. همچنین، دین‌پژوهی را به دو شاخه عمده تقسیم می‌کنند: ۱. تاریخ ادیان، و ۲. دین‌پژوهی نظام‌مند، که بیشتر به نظام‌بندی و نظریه‌پردازی درباره داده‌های دینی مربوط است، و رشته‌هایی مانند پدیدارشناسی دین، روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دین و مباحثی از سنخ گونه‌شناسی دین را پدید آورده و در برمی‌گیرد.^۲ در کشور ما، ایران نیز، به ویژه در سال‌های اخیر، رفته‌رفته دین‌پژوهی را از مطالعات ادیان، و مطالعات ادیان را از دین‌پژوهی با رویکردهای مختلف جدا می‌کنند.^۳

۱. همان، ص ۳۰۳.

۲. همان، ص ۳۰۵.

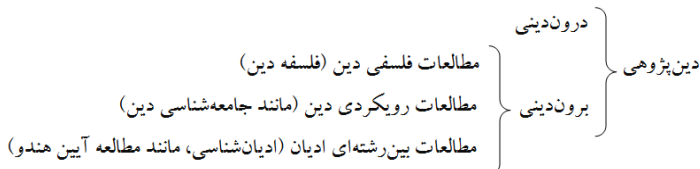
۳. از نگاه نگارنده این سطور، بهترین نوع تفکیک در مطالعات مربوط به دین، همین است که پس از تفکیک مطالعات درون‌دینی از برون‌دینی، سه بخش عمده را به صورت زیر از هم متمایز کنند: ۱. «مطالعات فلسفی دین» یا همان «دین‌پژوهی فلسفی» و یا، به تعبیر دیگر، «فلسفه دین». این مطالعه اگر بناست به صورت یک رشته درآید، مناسب‌ترین جایگاه آن دانشکده‌ها یا دپارتمان‌های فلسفه است؛ ۲. «مطالعات رویکردی دین» یا، به تعبیر آلمانی‌ها، «مطالعات نظام‌مند دین»، که به رشته‌های مختلف، مانند روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دین و... تعلق دارد و در

باری، در عنوان این نوشتار، ما «دین‌پژوهی» را -عالم‌اً و عامداً- به عام‌ترین مفهوم در نظر گرفته‌ایم؛ زیرا در کاری که پیش رو داریم برآنیم با ویژگی‌های انواع مطالعاتی که درباره دین و ادیان انجام شده است آشنا شویم، پس باید مرادمان از «دین‌پژوهی» مفهوم اعم آن باشد، تا شامل هر نوع مطالعه درباره دین و ادیان، از جمله مطالعات درون‌دینی، یعنی تلاش‌های متدینانه برای مطالعه دین خود، و هر مطالعه دیگری درباره ادیان، هرچند چندان هم که امروزه احیاناً بر آن اصرار می‌ورزند، روشمند و مبتنی بر نظریه‌های خاص، علمی، و یا رشته‌وار نباشد، بشود. همچنین، در مواردی که رویکرد یا نگرشی به پیدایش رشته‌ای علمی منتهی شده باشد (مانند رویکرد روان‌شناسانه به دین، که رشته روان‌شناسی دین از آن پدید آمده است)، آن رشته را نیز مستقلاً یا به‌طور ضمنی بررسی خواهیم کرد.

۴. درباره دین

پیش از آن‌که درباره تعریف دین سخنی بگوییم، شایسته است به تحولی

تشکیلات دانشگاهی نیز مناسب‌تر آن است که در همین دانشکده‌ها ارائه شود؛ و ۳. «مطالعات بین‌رشته‌ای دین»، شامل هرآنچه به شناخت و معرفی همه‌جانبه ادیان می‌انجامد. در این بخش، همه ادیان، از ابتدایی تا نظام‌یافته، و از قدیم تا جدید، و از تاریخی و غیرتاریخی، و از شرقی و غربی، با استفاده از همه داده‌هایی که رشته‌های مختلف در اختیار می‌نهد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به این‌گونه، می‌توانیم ربط و نسبت مطالعات ادیان را در نموداری نمایش دهیم.



که در برداشت از دین در دنیای مدرن رخ نموده‌است اشاره‌ای کنیم:^۱

دین در تلقی سنتی همانا پیام الهی به بشر و پاسخ آدمی به آن است. اما تلقی جدید از هویت دین، آن را نه به منزله پیام و خبر یا حکایت آسمانی، بلکه به عنوان یک واقعیت مستقل بشری تفسیر می‌کند. در تلقی جدید، دین پیامی از جانب کسی انگاشته نمی‌شود. دین‌پژوهان دوره جدید در صدد فهم پدیده‌ای پیچیده و شگفت‌آور برمی‌آیند که در کلیت خود «دین» نام دارد. چیستی دین، ابعاد و اهداف و آثار مناسک دینی، منشأ و خاستگاه و جایگاه دینداری، تنوع ادیان و تحول دینداری، عمده‌ترین سوال‌های نگرش نوین درباره دین است. این‌گونه، توصیف و تبیین پدیدارهای دینی، مهم‌ترین اهداف پژوهشی در نگرش نوین دین‌شناسی است؛ در حالی که در نگرش سنتی، تفسیر و فهم آموزه‌های دینی و توجیه آنها و استدلال بر حقانیت آنها هدف دین‌پژوهی بوده است.^۲

درباره ریشه واژه «دین» که در فارسی به کار می‌رود، سخن‌ها گوناگون است؛ برخی آن را هم‌ریشه با «دین» به معنای جزا و پاداش گرفته‌اند،^۳ و برخی حتی گفته‌اند این واژه‌ای دخیل از اوستایی از ریشه «دَننا» به معنای «بینش» یا «وجدان» است.^۴ همچنین، درباره ریشه واژه religion، که زبان‌های لاتین آن را با تفاوت‌هایی برای مفهوم خاصی که یاد شد به کار می‌برده و می‌برند، برخی آن را از relegere، به معنای «حرمت‌گزاری‌های

۱. ویلیام آلتون، دین پژوه معاصر، در دایرة المعارف فلسفه پل ادواردز مقاله‌ای جامع درباره دین نگاشته است که برای اطلاع بیشتر می‌توان به آن مراجعه کرد.

۲. احد فرامرز قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۵۲-۶۱.

۳. فرهنگ ادیان جهان، ص ۳۰۴.

۴. آرتور جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ص ۲۰۵.

مکرر) و برخی دیگر از ریشه religare، به معنای «پیوند صمیمانه میان انسان و خدا» دانسته‌اند.^۱

از حیث مفهوم، اصولاً دین religion مفهومی سامی (یهودی-مسیحی-اسلامی) به معنای «اعتقاد به خدا یا خدایان و نیز دیگر موجودات معنوی» یا «دلبستگی‌های فرجامین متعالی» است. ادیان غربی بر محور عقاید و ایمان خاصی قرار دارند، که علاوه بر خدا، شامل اعتقاد به جهانی دیگر می‌شود. به همین سبب تعریف‌هایی که درباره دین در این سنت‌ها صورت گرفته، عمدتاً عقیده‌محور و مفهومی است.^۲ به گفته برخی دین‌پژوهان، این مفهوم محصول انگاره دووجهی در هستی‌شناسی، یا دوگانه‌انگاری دنیا و آخرت، نامقدس و مقدس، مُلک و ملکوت، تاریخ و اسطوره... است.

چنین مفهومی البته درباره ادیان غربی صدق می‌کند، اما اطلاق دین به این مفهوم بر دین بدوی و ادیان شرقی همواره اشتباه یا همراه با تسامح بوده است؛ زیرا در دین ابتدایی و در بیشتر اشکال ادیان شرقی، آمیختگی

۱. همان، ص ۳۰۱.

۲. تعریف‌های مفهومی یا عقیده‌محور، با سه مؤلفه زیر متمایز می‌شود: ۱. تکیه بر ابعاد نظری و صوری دین؛ ۲. تکیه بر تمایز ابعاد دینی و غیردینی فرهنگ؛ و ۳. برابرانگاشتن دین با مجموعه‌ای از باورها، به‌ویژه اعتقاد به موجودی متعال. این تعریف‌ها بیشتر در حوزه ادیان ابراهیمی شکل می‌گیرد. همین واقعیت سبب شده است که ادیان ابراهیمی را بیشتر ادیان عقیده‌محور تلقی کنند. این البته بدان معنا نیست که ذات این ادیان، به‌ویژه اسلام، چنین است، بلکه در این ادیان ویژگی‌هایی هست که برخی گرایش‌های عقیده‌محور را در دامن خود رشد می‌دهد. (از دید نگارنده این سطور، اسلام، اگر نگوییم بیشتر، دست‌کم به یک میزان بر باور به برخی حقایق، مانند توحید و معاد، و بر عمل به مقتضای حق و عدل تکیه کرده است.)

غیر قابل انکاری میان فلسفه، عرفان و دین، از یک سو، و میان اسطوره و تاریخ، از سوی دیگر، و میان دنیا و آخرت از دیگرسو، و... هست.^۱ شاید درست در جهت عکس این روند، در زبان عربی و در برخی کاربردهای قرآنی، «دین» اصطلاحی است که برای مفهومی عام و متفاوت به کار می‌رود. به گفته علامه طباطبایی رحمته الله علیه، دین در قرآن برای «روش زندگی» به کار رفته است. در این کاربرد «دین» واژه عامی است که، هم بر اسلام، و هم بر دیگر ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی، و هم حتی بر ادیان شرک آمیز اطلاق می‌شود.^۲

اما اصطلاح دین (هم در زبان‌های اروپایی و هم در حوزه اسلامی) تحول یافته، و به ویژه در سده‌های اخیر در دین پژوهی معنای دیگری گرفته است تا از طرفی، با ادیان دیگر، مانند آیین هندو، بودا، دائوو...، که از آن الگوی دو وجهی و این مفاهیم اعتقادی خاص پیروی نمی‌کنند، تناسب یابد، و از سوی دیگر، آن چنان موسّع و عام نباشد که بر هر «روش زندگی» دلالت کند. با این حال، تعریف این اصطلاح اخیر چندان هم بی‌مشکل نبوده است. گوناگونی و فراوانی تعاریفی که با همین رویکرد نوین برای دین آورده‌اند، گواه بر این مدعاست، به گونه‌ای که در این مجال، تنها می‌توان به اصول این گوناگونی اشاره کرد:

۱. وینستون کینگ، دین، ص ۵۷.

۲. البته قرآن، به دلالت آیاتی نظیر ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...﴾ (یعنی، دین نزد خدا، همانا اسلام است. آل عمران، آیه ۱۹)، روش درست زندگی (یعنی دین درست و حق) را فقط اسلام (به مفهوم عام آن، یعنی پذیرش نشانه‌های حق و حقیقت و تسلیم به آن) می‌داند؛ اما در عین حال، عنوان دین را به طور عام حتی برای کفر و شرک نیز به کار برده است، آنجا که می‌گوید: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِلَّهِ دِينُ الْكَافِرِينَ﴾ (کافرون، آیه ۶).

گونه‌شناسی تعریف‌های جدید دین^۱

۱. تعریف‌های توصیفی، که به جای بیان معنای لغوی یا مفهوم اصطلاحی دین، به فهرست کردن ویژگی‌های دین مبادرت می‌ورزند: شاید بتوان با قدری تسامح تعریف‌هایی مانند تعریف اسمارت را که دین را دارای شش ویژگی می‌داند، یا تعریف آلستون را که دین را دارای نه ویژگی می‌داند، به این دسته ملحق کرد. همچنین تعریف ویتگنشتاین از دین با تکیه بر شباهت خانوادگی، را نیز در همین دسته می‌توان یاد کرد. بر پایه این تعریف: ۱. هر دینی دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌هاست؛ ۲. دسته خاصی از این ویژگی‌ها چندان عمومی نیست و در تمام ادیان یافت نمی‌شود؛ ۳. محدودیتی در ساختن و کشف ویژگی‌های دین ساز وجود ندارد؛ ۴. اشتراک ادیان با یکدیگر در یک دسته از ویژگی‌های خاص نخواهد بود بلکه اشتراک در طول یک سلسله ویژگی‌های شبکه‌مانند یا توری شکل (که مثلاً هر مربع از این تور در هر گوشه خود با یک گوشه از مربع‌های دیگر متصل می‌شود) است.

۲. تعریف‌های تجربه‌محور، که با تأکید بر ابعاد تجربی، احساسی، شهودی، ارزشی و عاطفی دین، و به عبارت دیگر، با تأکید بر احوال درونی متدینان به معرفی دین می‌پردازند. این تعریف‌ها شمول بیشتری نسبت

۱. این تعریف‌ها، چنان‌که یاد شد، تعریف‌هایی است که می‌کوشد همه ادیان، اعم از ابتدایی و نظام‌یافته، و شرقی و غربی را شامل شود. بنابراین، اگر بنا باشد همه انواع و دسته‌های مختلف تعریف دین را شماره کنیم، علاوه بر اینها، باید تعریف‌های خاص فهم‌تردین، مانند تعریف‌های لغوی، که به جای تعریف اصطلاحی، معنای لغوی دین را در زبان‌های مختلف یاد می‌کنند، و تعریف‌های اصطلاحی، که مفهوم دین را در عرفی خاص یا عام مطرح می‌سازند، را نیز اینجا ذکر کنیم.

تعریف‌های مفهومی داشته و ادیان دیگری به جز ادیان غیرابراهیمی، همچون دین بدوی و ادیان آسیایی را بهتر دربرمی‌گیرند، مانند تعریف شلایرماخر که می‌گوید: «دین احساس اتکای مطلق است»،^۱ یا تعریف ویلیام جیمز که گفته: «دین حس شورمندانه حمایت شدن است.»^۱ شاید بتوان تعریفی را نیز که می‌گفت «دین روش زندگی است» به این دسته مربوط دانست.^۲

۳. تعریف‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی، که دین را بازتاب مناسبات اقتصادی، تاریخی و فرهنگی جوامع می‌انگارند: امیل دورکهایم، در کتاب صور ابتدایی حیات دینی، به این برداشت از دین می‌گراید.^۳

۴. تعریف‌های روان‌شناختی، که با دو مؤلفه زیربه معرفی دین می‌پردازند: یکی این‌که، دین را محصول انگیزش‌ها می‌پندارند؛ و دوم آن‌که، بیشتر بر درون‌مندی تجربی دینی تأکید دارند تا بر برداشت‌های عقلی و فکری.

۵. تعریف‌های پدیدارشناسانه یا ذات‌گرایانه، که عمدتاً با سه ملاحظه زیر دین را معرفی می‌کنند: ۱. پرهیز از فروکاهش دین به عوامل مؤثر در آن، مانند عوامل اجتماعی و روانی؛ ۲. تلاش برای معرفی دین با مؤلفه جوهرین آن؛ ۳. جدا دانستن دین از عوامل زمینه‌ای مانند اجتماع، اقتصاد، تاریخ و فرهنگ. تعریف‌های پدیدارشناسانه خود مراحل از تکامل را طی کرده است. شاید بتوان این مراحل را با دو تعریف شاخص معرفی کرد:

۱. دین، ص ۶۱.

۲. این تعریف را از پیش‌تر به عنوان برداشت قرآنی علامه طباطبایی یاد کردیم.

۳. دین، ص ۶۲.

الف) تعریف یا برداشت رودولف اُتو در کتاب مفهوم امر قدسی، که دین را «حضور یا آگاهی در برابر امری قدسی و احساس خشیت و مهابت و تعالی» می‌انگارد. عدم انطباق این نوع تعریف با ادیان شرقی و دین بدوی سبب شده است که آن را دارای نقطه ضعفی مهم بدانند؛ زیرا در همه ادیان چنین احساسی الزاماً در برابر امر متعال شکل نمی‌گیرد، بلکه مشابه آن، با درجاتی، در مواجهه با هر امر دینی، مثل یک کوه مقدس یا درخت، رخ می‌نماید.

ب) تعریف میرچا الیاده از دین. وی در کتاب قدسی و دنیوی، مفهوم امر دینی یا امر قدسی اُتو برای تعریف دین را به این صورت گسترش داد: «امر قدسی، تجربه یا احساس آن چیزی است که در هر نمادپردازی، شعیره و اسطوره‌سازی تجلی دارد.»^۱ او به این وسیله می‌خواست تا با حفظ رویکرد پدیدارشناسانه، این تعریف را جامع‌تر کند.

۶. برداشت‌های تلفیق‌گرانه، با این ویژگی که دین را نه صرفاً تجربه امر متعالی و مستقل از زمینه‌های اجتماعی می‌داند، و نه آن را محصول عینی و مستقیم آن زمینه‌ها می‌انگارد: نویسنده مقاله «دین» در کتاب دین‌پژوهی، دین را مرکب از تجربه دینی و قدسی، به عنوان جزء اصیل، و تفاوت‌های صوری ناشی از محیط می‌داند و می‌گوید: «دین عبارت است از سازمان‌یابی حیات بر محور ابعاد عمقی تجربه، که بر طبق فرهنگ محیط، از نظر صورت، کمال و روشنی فرق می‌کند.»^۲

۱. همان، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۶۸.

